«سلام بر ابراهیم» پرفروش تابستانه کتاب

چاپ ۱۱۴ کتاب «سلام بر ابراهیم» از جمله کتاب‌های تالیفی پرفروش طرح تابستانه کتاب روانه بازار شد. به گزارش تسنیم «سلام بر ابراهیم» در میان کتاب‌های تالیفی پرفروش طرح تابستانه کتاب شناخته شده‌ای است، تاکنون نزدیک به ۷۰۰ هزار نسخه از این کتاب منتشر شده و چاپ ۱۱۴ این کتاب نیز روز گذشته روانه بازار نشر شده است.
«سلام بر ابراهیم» زندگی نامه‌ای مختصر از شهید مفقود الاثر ابراهیم هادی و ۶۹ خاطره از خانواده، دوستان و همرزمان شهید است.

نشست شبی با بزرگان داستان با محوریت نقد و بررسی آثار دینو بوتزاتی

رمان‌نویسی که قهرمان‌هایش ناکام می‌مانند

ششمین جلسه نشست شبی با بزرگان داستان با محوریت نقد و بررسی آثار دینو بوتزاتی با همکاری حوزه هنری و انجمن ادبیات داستانی دریچه در مشهد برگزار شد. در ابتدای برنامه بروشورهایی توزیع شد که زندگی نامه و فهرست آثار نویسنده در اختیار حاضران قرار گرفت و سپس عباس زاده به صورت کامل تری به شرح زندگی نویسنده پرداخت. دینو بوتزاتی نویسنده مشهور ایتالیایی در سال ۱۹۰۶ در بلونوی ایتالیا در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان می گشاید. پدرش استاد دانشگاه در رشته حقوق بین الملل و مادرش دام پزشک بوده است. بوتزاتی هم مانند پدر در دانشگاه میلان در رشته حقوق شروع به تحصیل می کند و همزمان در روزنامه "کوریه دلا سرا" استخدام می شود. در ابتدا از قسمت ویراستاری کار خود را آغاز می کند و بعدها سردبیر همان روزنامه می شود و تا آخر عمر نیز روزنامه نگار باقی می ماند.
سپس نماهنگی از مصاحبه بوتزاتی برای شرکت کنندگان پخش شد.
مهری غلامپور به معرفی آثار بوتزاتی پرداخت و درباره هر کدام توضیحات مختصری را ارائه کرد. غلامپور رمان های بوتزاتی را از لحاظ ساختاری و شهرت طبقه بندی کرد و نگاه گذرایی به رمان ها داشت و بارزترین ویژگی مشترک آثار بوتزاتی را ناکام ماندن قهرمان های داستان هایش خواند.
هاشم عابدزاده به بررسی ویژگی های داستان های کوتاه بوتزاتی پرداخت. وی نگاه کامل تری به سه داستان کوتاه داشت و گفت: اولین داستان به نام « سگی که خدا را دید » روایت بسیار روانی دارد و ریا و دروغگویی انسان ها و جدال همیشگی منفعت طلبی در مقابل خیرخواهی درون انسان را به نمایش گذاشته است؛ داستان دوم «کولومبره» درباره نهنگ غول پیکری است که در این داستان نماد مرگ است و همواره دوشادوش انسان در حرکت است و انسان را گریزی از آن نیست و داستان سوم « کت سحرآمیز » است که بوتزاتی در این داستان تخیلی، به نوعی به اثرگذار بودن اعمال انسان ها بر کل هستی اشاره می کند و تضاد میان منافع فردی و منافع اجتماعی، بن مایه اصلی آن را شکل داده است. در قسمت بعدی برنامه، برشی از فیلم «بیابان تاتارها » پخش شد و زهره حائری به بررسی رمان « بیابان تاتارها» که مهم‌ترین رمان بوتزاتی است پرداخت.
این داستان ۳۰ سال زندگی یک افسر جوان را در یک قلعه مرزی که مشرف به بیابان تاتارها است روایت می کند که در آنجا همه افسران قلعه سال‌هاست در انتظار و آرزوی جنگی از جانب تاتارها هستند، اما بیابان همیشه در سکوت و سکون کامل است و افسران قلعه همه بیهوده در انتظار جنگ هستند. روایت داستان بسیار روان و فضاسازی ساده و رئالیستی دارد، اما به گونه‌ای است که داستان را به فضای خیالی و مرموز می کشاند. خانم حائری اشاره کردند که برخی منتقدان بر این باورند این رمان نمادی از نیروی تخیل و توان آفرینش ادبی بوتزاتی است. شروع و پایان رمان به گونه‌ای است که گویی بوتزاتی می خواسته ۳۰ سال بیهودگی را در همین آغاز و پایان با نشانه‌ها و نمادهایی برای مخاطب به تصویر بکشد. در بخش مهمان، دکتر ترکمن نیا نگاه جامعی به داستان کوتاه « مُرده اشتباهی » داشت. وی در شروع صحبت های خود خلاصه‌ای از داستان را ارائه کرد. سپس از درون مایه های مشترک داستان های بوتزاتی گفت و همچنین این درون مایه های مشترک را با درون مایه داستان "مردهٔ اشتباهی" مقایسه کرد. داستان از لحاظ ژانر در زمره داستان های رئالیستی معرفی شد و سه بخش آستانه، میانه و پایان که وظایفی را باید در داستان ایفا کنند مشخص شد و آستانه های داستان های بوتزاتی در سه داستان "بیابان تاتارها، راز جنگل کهن و مردهٔ اشتباهی" مقایسه و اشتراکات آن ها بیان شد. نکات مشترک آستانه ها در هر سه داستان: معرفی شخصیت به صورت مستقیم و توضیحی و طرح و بیان مسئلهٔ داستان به همراه زمان و مکان برشمرده شد. ویژگی های سبک بوتزاتی در تمام آثار وی شامل نثر روان، موجز با حداقل توصیف است؛ نگاه فلسفی نویسنده به زندگی به خصوص به برگشت ناپذیری عمر و زمان در اکثر داستان های وی تأثیر گذاشته است عنصر زمان در داستان های بوتزاتی شکسته می شود و نحوهٔ این شکستن ها هم متفاوت است که باعث جذابیت های داستان هایش شده است، خصلت قصه گویی و توجه به روایت تصویری از مشخصه های مشترک آثار بوتزاتی است و مهم‌ترین ویژگی استفاده از عنصر تخیل است به صورتی که در بستر بسیار واقعی داستان های وی حل می شود و بعد از خواندن داستان ها شکلی نمادین پیدا می کند. در نهایت، قسمتی از داستان کوتاه "برآمدگی های باغ" توسط مهمان خوانش شد.
در انتهای برنامه برش دیگری از فیلم « بیابان تاتارها » برای شرکت کنندگان پخش شد.

انقلابی که یک دهه هفتادی به پا کرد

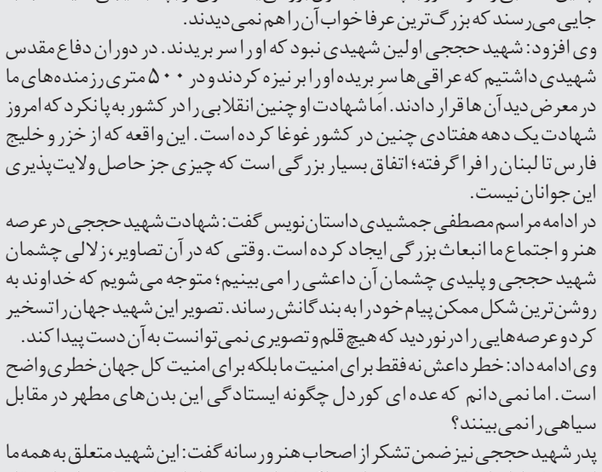

شب شعر سربه‌راه ویژه پاسداشت شهید مدافع حرم محسن حججی با حضور خانواده معزز این شهید بزرگوار و شاعران برجسته کشور در نخلستان سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد.
به گزارش خبرنگاران پویا، در این نشست علیرضا غزوه، سعید بیابانکی، میلاد عرفان‌پور، مصطفی محدثی خراسانی و تعدادی دیگر از شاعران به دکلمه اشعاری درباره شهید حججی پرداختند.
همچنین در این نشست رضا برجی عکاس دفاع مقدس گفت: من سال‌ها شاگردی شهید آوینی را کرده و نماز شب خواندن‌ها و ناله‌هایش به درگاه خدا را دیده بودم و می‌دانستم که ۱۵ سال این حالات را داشت تا شهادتش عالم‌گیر شد. آن چنان که در زمان حیاتش کسی عکس آوینی را هم ندیده بود اما حالا در دورافتاده‌ترین روستاهای کشور برایش مراسم بزرگداشت برگزار می‌کنند. اما به خواب هم نمی‌دیدم که یک جوان متولد ۷۰ به یک باره چنین انقلابی را در کشور به پا کند. به قول بزرگی یک سری از بچه بسیجی‌ها یک شبه به جایی می‌رسند که بزرگ‌ترین عرفا خواب آن را هم نمی‌دیدند.
وی افزود: شهید حججی اولین شهیدی نبود که او را سر بریدند. در دوران دفاع مقدس شهیدی داشتیم که عراقی‌ها سر بریده او را بر نیزه کردند و در ۵۰۰ متری رزمنده‌های ما در معرض دید آن‌ها قرار دادند. اما شهادت او چنین انقلابی را در کشور به پا نکرد که امروز شهادت یک دهه هفتادی چنین در کشور غوغا کرده است. این واقعه که از خزر و خلیج فارس تا لبنان را فرا گرفته؛ اتفاق بسیار بزرگی است که چیزی جز حاصل ولایت‌پذیری این جوانان نیست.
در ادامه مراسم مصطفی جمشیدی داستان‌نویس گفت: شهادت شهید حججی در عرصه هنر و اجتماع ما انبعاث بزرگی ایجاد کرده است. وقتی که در آن تصاویر، زلالی چشمان شهید حججی و پلیدی چشمان آن داعشی را می‌بینیم؛ متوجه می‌شویم که خداوند به روشن‌ترین شکل ممکن پیام خود را به بندگانش رساند. تصویر این شهید جهان را تسخیر کرد و عرصه‌هایی را در نور دید که هیچ قلم و تصویری نمی‌توانست به آن دست پیدا کند.
وی ادامه داد: خطر داعش نه فقط برای امنیت ما بلکه برای امنیت کل جهان خطری واضح است. اما نمی‌دانم که عده‌ای کور دل چگونه ایستادگی این بدن‌های مطهر در مقابل سیاهی را نمی‌بینند؟
پدر شهید حججی نیز ضمن تشکر از اصحاب هنر و رسانه گفت: این شهید متعلق به همه ما است و شما با زبان شعر و تصویر، پیامی را که خداوند به وسیله این شهید فرستاد را منتقل کردید. در پایان با اهدای هدایایی، از خانواده شهید حججی تجلیل شد.

پیک ادبیات

دعوت دانشگاه سوآس لندن از «احمد دهقان» برای سخنرانی درباره ادبیات دفاع مقدس

دانشگاه سوآس لندن از احمد دهقان و هوشنگ مرادی کرمانی برای سخنرانی درباره ادبیات دفاع مقدس و ادبیات معاصر ایران دعوت کرد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، دانشگاه سوآس لندن از دو نویسنده ایرانی برای سخنرانی درباره ادبیات ایران در خارج از مرزها دعوت کرد. دانشگاه سوآس لندن قدیمی‌ترین دپارتمان شرق‌شناسی و زبان را در اروپا دارد و نشستی به منظور معرفی ادبیات معاصر ایران تدارک دیده است. این نشست ۲۷ سپتامبر (۲۳ شهریور) در لندن برگزار می‌شود و قرار است احمد دهقان و هوشنگ مرادی کرمانی در آن حضور یابند و از ادبیات ایران حرف بزنند.
احمد دهقان در زمینه ادبیات دفاع مقدس در خارج از مرزها و ترجمه آن سخن خواهد گفت و هوشنگ مرادی کرمانی درباره ادبیات معاصر ایران.
همچنین کارولین کراسکری و پال اسپراکمن مترجمان کتاب‌های مرادی کرمانی و احمد دهقان به زبان انگلیسی نیز در این نشست حضور دارند و درباره کتاب‌هایی که از این نویسندگان ترجمه کرده‌اند، نکاتی را بیان می‌کنند.
پال اسپراکمن مترجم کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان و کارولین کراسکری مترجم کتاب «من قاتل پسرتان هستم» و «پرسه در خاک غریب» است. وی همچنین کتاب‌های «خمره» و «مربای شیرین» هوشنگ مرادی کرمانی را نیز به انگلیسی ترجمه کرده است.
«قصه‌های مجید» دیگر کار این نویسنده است که کراسکری مشغول ترجمه آن است. انتشارات «شمع و مه» ناشر کتاب‌های ترجمه شده دهقان و مرادی کرمانی، حضور این نویسندگان در کشور انگلستان را هماهنگ کرده است.

انتقاد از نبود شادابی لازم در میان نویسندگان برای خلق ادبیات انقلاب

ابراهیم حسن بیگی از انتشار سومین رمان انقلابی خود با عنوان «روایتی ساده از چند ماجرای پیچیده» در آینده نزدیک خبر داد. ابراهیم حسن بیگی، نویسنده، در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران پویا، از انتشار سومین رمان انقلابی خود با عنوان «روایتی ساده از چند ماجرای پیچیده» خبر داد و گفت: این رمان برای مخاطب نوجوان نگاشته شده است. این نویسنده که پیش از این، دو رمان «سال‌های بنفش» و «شب ناسور» را با موضوع انقلاب اسلامی منتشر کرده است، ادامه داد: داستان رمان روایت زندگی نوجوانی ترکمن به نام الیاس است که در سال‌های قبل از انقلاب او و خانواده‌اش در تعارض با نیروهای رژیم شاه دچار مشکلات فراوانی می‌شوند. الیاس به اقتضای سن نوجوانی‌اش ظلم را بر نمی‌تابد و ناخواسته گرفتار ماجراهایی می‌شود، این ماجراها در قالب روایت‌هایی ساده در این رمان به تصویر کشیده شده است.
وی ادامه می‌دهد: برای خلق اثر در ادبیات انقلاب و دفاع مقدس متاسفانه امروز در میان نویسنده‌ها شادابی وجود ندارد، به نوعی ما هنوز دغدغه آن را نداریم، شاید چون از انقلاب فاصله گرفتیم و در گیر موضوعاتی دیگر شده‌ایم، عوامل خارجی که موجب تحریک نویسنده‌ها برای خلق ادبیات انقلاب شود، امروز وجود ندارد. چطور شود که فردی خودجوش دست به خلق اثر بزند و ناشر یا متولی نیز پیدا شود که برای انتشار آن کمک کند.

رمان‌نویس جنایی به ۴ قتل اعتراف کرد

یک نویسنده آثار جنایی در چین به کشتن چهار نفر در سال ۱۹۹۵ اعتراف کرد تا پرونده مسکوت این قتل‌ها پس از بیش از دو دهه به سرانجام برسد.
به گزارش ایسنا به نقل از یورونیوز، «لیو یونگبیائو» نویسنده موفق چینی که یکی از رمان‌هایش به یک سریال ۵۰ قسمتی تبدیل شده است، در جریان بازجویی پلیس به قتل چهار نفر اعتراف کرد؛ قتل‌هایی که بیش از دو دهه پیش روی داده بودند. برای سال‌ها کارآگاه‌ها در جست‌وجوی فهمیدن چگونه به قتل رسیدن یک خانواده در نوامبر سال ۱۹۹۵ بودند. پلیس چین در نهایت هفته گذشته «لیو یونگبیائو» نویسنده ۵۳ ساله چینی را پس از انجام تحقیقات و انگشت‌نگاری‌های پیشرفته دستگیر کرد و او در جریان بازجویی‌ها اعتراف کرد که به کمک همدستش در نوامبر ۱۹۹۵ به قصد سرقت وارد یک مهمانخانه در شهر هوجا در شرق چین می‌شوند اما نقشه آن‌ها خوب پیش نمی‌رود و آن‌ها صاحبان مهمانخانه، نوه آن‌ها و یک مشتری دیگر را به شدت مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و آن‌ها را به قتل می‌رسانند. رسانه‌های چینی اعلام کردند که این نویسنده پس از دستگیری در یادداشتی به همسرش نوشته است: ۲۰ سال است که منتظر رسیدن این لحظه هستم. امروز همه چیز تمام می‌شود و من در نهایت از زندان ذهنی که از آن رنج می‌برم و مجبور بودم سال‌ها آن را تحمل کنم رهایی می‌یابم. نکته قابل توجه آن است که «لیو یونگبیائو» در حال نگارش رمانی با عنوان «نویسنده زیبایی که کشت» بوده که موضوع آن درباره یک نویسنده قاتل است که در نهایت از چنگ قانون و پلیس فرار می‌کند اما در ظاهر او باید این کتاب خود را در پشت میله‌های زندان تکمیل کند.

ادبیات جهان

شاهکارهایی که اسم‌شان به گوش‌تان نخورده است

نویسندگان مشهور کتاب‌های بزرگی را معرفی کرده‌اند که شاید تا حالا اسم‌شان هم به گوش‌تان نخورده باشد.
به گزارش ایسنا، «تلگراف» نوشت: طراحان یک اپلیکیشن در اقدامی جالب سعی دارند ثابت کنند مطالعه خوب و مفید همیشه به معنای خواندن آثار کلاسیک قدیمی - از «ترولوپ» گرفته تا «تولستوی» - نیست.
اپلیکیشن «الکسی» هر هفته یک باشگاه کتاب‌خوانی دیجیتالی برگزار می‌کند و از نویسندگان مطرح می‌خواهد گنج‌های مخفی خود را زیرورو کنند و پیشنهادی نو، اما ارزنده به خوانندگان کتاب‌های دیجیتالی ارائه دهند. نتیجه فعالیت‌های اخیر این باشگاه، فهرستی از کتاب‌های جذاب است که در این گزارش به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

«تریسی شوالیه» پیشنهاد می‌کند:
«استخوان سفید» نوشته «باربارا گودی»
فهمیده‌ام که من همیشه یک نوع کتاب می‌خوانم: معمولا رمانی با ساختار خطی، قهرمانی ترحم‌برانگیز، مشکلی که باید حل شود و یک پایان مشخص. با این حال بدنیست هرازگاهی تغییری ایجاد شود. رمان سال ۱۹۹۹ «باربارا گودی» تورا بین یک گله فیل قرار می‌دهد و تا وقتی که مثل آن‌ها فکر و احساس نکنی، آن‌جا نگهت می‌دارد. این واقعا کار بزرگی است که خواننده را وارد واقعیتی این‌چنین غریب قرار دهی و این وضعیت را حفظ کنی.

«استر فروید» پیشنهاد می‌کند:
«سفر در تاریکی» نوشته «جین رایز»
این کتابی است که من را تغییر داد. باعث شد درباره امکان نوشتن رمان خودم فکر کنم و روزنه امیدی شد که بفهمم رمانی درباره خاطرات و آرزو، درباره تنهایی و تعلق می‌تواند جذاب و خواندنی شود.

«کیتی رنزنبرینک» پیشنهاد می‌کند:
«سه‌گانه بالکان» نوشته «اولیویا مانینگ»
درست نمی‌دانم چرا به سمت داستان‌هایی که در زمان جنگ روایت می‌شوند، جذب می‌شوم اما گمان می‌کنم با تعویق افتادن رفتارهای معمولی ارتباطی داشته باشد. در زمان جنگ، مردم قوانین را می‌شکنند چون شواهدی که دورشان را گرفته می‌گوید زندگی کوتاه است. کمتر به مسائل نظامی علاقه‌مندم و بیشتر تحت تأثیر قرار گرفتن روابط، برایم جالب است. این که آدم‌ها چطور از پس ترس‌های مختلف برمی‌آیند یا نمی‌آیند.

«فرانسیس اسپوفورد» پیشنهاد می‌کند:
«بیداری» نوشته «الیزابت ناکس»
۱۴ نیوزیلندی از یک حمله دیوانه‌وار و خشونت‌آمیز جان سالم به در می‌برند. همان‌طور که همه تلاش‌شان را برای دفن مرده‌ها می‌کنند و مراقب هم هستند، متوجه می‌شوند که هنوز در دام علت این جنون ناگهانی قرار دارند و این جریان به آن‌ها ختم نمی‌شود. این کتاب ترسناک و عالی توسط رمان‌نویسی با تخیلی نابغه‌وار نوشته شده. «بیداری» از وحشت برای نشان دادن مرز وحشتناک تجربه‌ای شخصی سود می‌برد. وقتی آدرنالین کاهش پیدا می‌کند، تازه متوجه می‌شوید که شاید عقل‌تان به کار افتاده است.

«جی مک اینرنی» پیشنهاد می‌کند:
«قلعه تنهایی» نوشته «جاناتان لتم»
این یک رمان عالی نیویورکی است. داستانی که از تاریخ عبور می‌کند و در بروکلین دهه ۷۰ روایت می‌شود. حین بازسازی چند دهه قبل، قصه غرق‌شده در فرهنگ پاپ «لتم»، با مفاهیمی چون نژاد، طبقه و خانواده دست به گریبان است و این در حالی است که به رئالیسم جادویی الهام گرفته از کتاب‌های کمیک هم خوش‌آمد می‌گوید.

«تسا هادلی» پیشنهاد می‌کند:
«دردسرها» نوشته «جی. جی. فارل»
همیشه فکر می‌کردم رمان مثل یک خانه می‌ماند: این که می‌توانی از اتاقی به اتاق دیگرش بروی، گذشته و حال در کنار هم وجود دارند، شخصیت‌های مختلف در آن زندگی می‌کنند و عوض می‌شوند، تمام این‌ها در قالب رمان قرار دارند. «مجستیک» یک هتل بزرگ رو به خرابی در سال ۱۹۲۰ ایرلند است. هنوز چند مهمان به این هتل می‌آیند، اما گربه‌ها در اتاق‌های طبقه بالا بچه دار شده‌اند و حروف تابلو «مجستیک» یکی یکی دارد می‌افتد. رمان به طور شگفت‌انگیزی خنده‌دار است.

«جین اسمایلی» پیشنهاد می‌کند:
«سه‌گانه ترانسیلوانیایی» نوشته «میکلوس بانفی»
چند سال پیش دوستی گفت که «سه‌گانه ترانسیلوانیایی» را دوست داشته. من هم این اثر را خریدم و حدود سه سال پیش آن را خواندم. به کندی پیش می‌رفتم و کاملا شیفته ترکیب بی‌پروای مناظر، سیاست، عاشقانه‌ها و حس دنیایی برای همیشه از دست‌رفته شده بودم.

«آدام فولدز» پیشنهاد می‌کند:
«نام جهان» نوشته «دنیس جانسون»
کتاب‌هایی هست که من بارها و بارها به خاطر انرژی و قدرت‌شان، برای تخیلات کلامی و تازگی مفاهیم‌شان به آن‌ها بازمی‌گردم. آن‌ها مبهم یا دور از دسترس نیستند، زندگی را در یک فاصله نگه نمی‌دارند. همه آن را به توتقدیم می‌کنند. این رمان کوتاه خیلی شناخته‌شده نیست، اما باید باشد. اثری بی‌همتا و کاملا قانع‌کننده است. از لحاظ زبانی و تصویری، غیرقابل پیش‌بینی و مسخ‌کننده است.

«ریک مودی» پیشنهاد می‌کند:
«دوبانوی جدی» نوشته «جین بولز»
نوشته‌های «جین بولز» خیلی کم تعداد بود؛ یک نمایش‌نامه، چند داستان کوتاه و این رمان: پدیده‌ای عجیب که در سال ۱۹۴۳ درباره زوجی بیگانه که با هم به شدت متحد می‌شوند و به خارج از کشور سفر می‌کنند، نوشته شده. روابط علی و معلولی در این اثر کار نمی‌کند و دیالوگ از انحراف خود متحیر می‌ماند. اما کل ماجرا خنده‌دار و فوق‌العاده است.

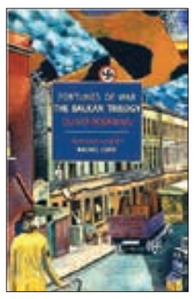

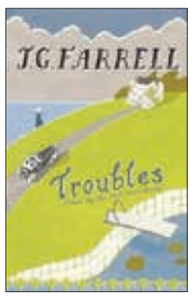

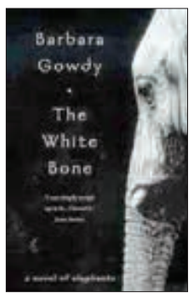

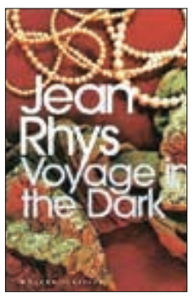

هنرهای تجسمی

سید مسعود شجاعی مطرح کرد:

کاریکاتور آخر صف!

سید مسعود شجاعی مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری با بیان این که کارتون و کاریکاتور در آخرین اولویت مرکز هنرهای تجسمی است گفت: اولویت اصلی ما دیگر بخش‌های هنرهای تجسمی است. سید مسعود شجاعی طباطبایی در تاریخ ۲۹ خرداد سال جاری طی حکمی از سوی فاضل نظری معاون هنری حوزه هنری به مدیریت مرکز هنرهای تجسمی حوزه منصوب شد. او در سال‌های جنگ تحمیلی به ثبت تصاویر رشادت‌های رزمندگان اسلام مشغول بود و سال‌ها در زمینه هنرهای تجسمی همچون کاریکاتور و کارتون به فعالیت پرداخت. شجاعی دبیری جشنواره‌های گوناگون در زمینه هنرهای تجسمی را در حوزه هنری بر عهده داشته است. او در فروردین سال ۱۳۹۵ به عنوان چهره سال هنر انقلاب اسلامی انتخاب شد. سید مسعود شجاعی مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران پویا، با بیان این که دبیری جشنواره‌ها را در کنار مدیریت مرکز هنرهای تجسمی ادامه خواهد داد، گفت: یکی از اتفاقات جدی که ما در حوزه کاریکاتور دنبال کردیم و به نتایج خوبی رسیدیم؛ برپایی جشنواره‌هاست که همیشه متناسب با مسائل روز مثل داعش و ترامپ بوده. اما برپایی چنین جشنواره‌هایی در اولویت کاری ما در مرکز هنرهای تجسمی حوزه نیست و برخی از این جشنواره‌ها در خارج از حوزه هنری برپا خواهد شد. در آینده شاهد دو جشنواره خواهید بود که بنده به عنوان دبیر در خدمت عزیزان هنرمند هستم؛ یکی «دوسالانه کاریکاتور» که داوری اولیه آن انجام شده است و پس از داوری نهایی به برگزاری نمایشگاه خواهیم پرداخت و دیگری «افول تروریسم» که البته هنوز عنوان اصلی آن مشخص نشده است.
وی با اشاره به قرار دادن کاریکاتور و کارتون در آخرین اولویت مرکز هنرهای تجسمی گفت: اولویت اصلی ما دیگر بخش‌های هنرهای تجسمی است؛ البته ما به تمامی بخش‌های هنر تجسمی توجه داریم و کاریکاتور هم یکی از همین بخش‌هاست. شجاعی تاکید کرد: ما برای بهره‌گیری از نظرات مشاوران در مرکز هنرهای تجسمی دو شورا داریم. یکی شورای علمی راهبردی و دیگری شورای تخصصی که در این دو شورا از وجود هنرمندان برجسته بهره می‌بریم.

ناگهان شعر

آرش ابراهیم‌زاده

■ ۱
تاخت رفتی سوی حریمی از عشق
از دل دشت "شبدر" آوردی
از تواندام بی سر آوردند
تا که از عشق سر درآوردی
.
پدرت گفت: بس که پر بار است
"سر بزیری" برای اوست نماد
مادرت گفت: لحظه رفتن
"به خدا" روی خوش نشان می‌داد!
.
پیش زینب تمام هستی تو...
شد فدای سرش، سرت! سرباز!
آسمان را گلوله باران کرد
قطره اشک مادرت سرباز!
.
رفتی ووقت آن رسیده که تو
باجوانی خودوداع کنی
اشک شوقت روانه‌تر باشد!
رفته‌ای از حرم دفاع کنی!
.
چشم امّید باز کرده حرم
چون که بین هجوم کفر زبون
جای مشتی جماعت "کوفی"
سوی اورفته‌اند "فاطمیون"
.
باز از سوی "محشر کبری"
بوی عطر شهید می‌آید
مادری خواب دید فرزندش
از افق روسفید می‌آید
.
ظلمت اما تمام خواهد شد
روشنی "شروع" نزدیک است
آسمان غروب خواهد مرد
روز فتح "طلوع" نزدیک است

■ ۲
در دایره کفر زبون خودمم
من تشنه قطره‌های خون خودمم
در آینه شرزه‌شیرم اما صد حیف
یک گربه منزوی درون خودمم

■ ۳
تاریکی محض سهم گلدان‌ها بود
آتش همه معرکه آن‌ها بود
هر شب پره ادعای خورشیدی داشت
تقصیر از آفتاب گردان‌ها بود

■ ۴
چون راه فرار از پس و از پیش نبود
چون بال تو از وبال تو بیش نبود
ایمان تو جز جبر تن خویش نبود
کیشی که به آن مات شدی کیش نبود

■ ۵
من کاملا معنی آزارم برادر
بر شانه‌های کوچکت بارم برادر
چیزی در این دنیا برای شادی ام نیست
از اشک‌های شوق بیزارم برادر
آمیزه‌ای از تلخی مرگ و تباهی
در شعرهایم چوبه دارم برادر
غم را شبیه لاله در عمق بیابان
هر شب درون سینه می کارم برادر
از غصه هایم شانه خالی می کنم تا
از شانه هایت غصه بردارم برادر

■ ۶
پلک بر هم زدی و شور جهان جاری شد
شورشش از غلیان تا فوران جاری شد
شانه حادثه لرزید زمان ثابت ماند
تا که بی‌تابی چشمت به زبان جاری شد
زندگی از غم بی حوصلگی می‌رنجید
عشق برگشت دوباره هیجان جاری شد
چون قطاری همه عمر دویدیم؛ بگو
غیر اجبار چه در طول زمان جاری شد؟
کوه رو کرد به رود و همه راهش را بست
کوه رو کرد به او گفت بمان! جاری شد

■ ۷
یکی تو گوش راستش لونه کرده
یکی تو گوش چپ آواز می‌خونه
یکی خمیازه شوتک کرده بیرون
یکی روحش رو با سنجاق بسته
تبر کرده یکی تو قلب پاکش
یکی اتراق کرده روی پاهاش
یکی جفت پا روی مغزش پریده
یکی سرپا روی سینه‌ش نشسته
یکی اینجاس مثل کوه تنهاس
یکی اینجاس مثل تخت تنگه
یکی اینجاس مثل روز اسیره
یکی که مثل شب‌ها راه‌راهه
یکی که هیچ چیزی همدمش نیست
به چی دل خوش کنه تا که نمیره؟
یه چیزی مثل بختک آروم‌آروم
می‌خوابه روی چشمای سیاهش
تا می‌خواد داد و فریادش بلند شه
میاد با گز می‌شه سدّ راهش
یکی از پنج تا یک می‌شماره
یکی فکر طنابه، فکر داره